

فصلنامه علمی سراج منیر، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۵-۱۳۳

مقاله پژوهشی

بررسی تطبیقی روش محدثین متقدم در رفع تعارض اخبار

محسن نیل فروش زاده*

دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳)

چکیده

حدیث، پس از قرآن کریم، به عنوان دومین منبع اساسی کشف و تبیین معارف الهی، بشمار می‌رود. مهم‌ترین چالش حدیثی، مساله اختلاف میان روایات و روش برخورد صحیح و اصلاح آن‌ها می‌باشد. از این رو در این مقاله به بررسی تطبیقی روش محدثین متقدم، در رفع تعارض اخبار با استفاده از روش تحلیل اسنادی پرداخته شده و به نتایج ذیل دست یافته است: شیخ کلینی (ره) اغلب از روش ترجیح و تخییر و توقف استفاده نموده، بدون آنکه دلایل خاص انتخابش را ذیل احادیث متعارض بیان کند؛ شیخ صدوق (ره) علاوه بر دو روش فوق، از روش جمع نیز استفاده نموده، لذا ایشان را می‌توان اولین جامع نویس متقدم شیعی دانست، که به جمع بین روایات متعارض پرداخته، براهین تجمیع خود را در ذیل پاره‌ای از آنها بیان نموده است؛ شیخ طوسی (ره) نیز، اساس و بنیان کار خود را بر ارائه دلایل منطقی جهت رفع اختلاف احادیث قرار داده، رفع تعارض اخبار را قانون مند و روش مند نمود؛ و پایه‌گذار ساختاری جامع و علمی جهت حل معضل فوق در آن زمان و همچنین آموزش روش برخورد با این موضوع و مباحث مشابه، جهت آیندگان گردید.

واژگان کلیدی: اختلاف حدیث، شیخ کلینی (ره)، شیخ صدوق (ره)، شیخ طوسی (ره)، بررسی تطبیقی.

* E-mail: nilmohsen@yahoo.com

۱. مقدمه

حدیث مهم‌ترین منبع دریافت آموزه‌های دینی پس از قرآن و در کنار و همراه آن، شامل معارف والا و زلال و بی‌همتای الهی است. در کنار توجه بسیار معصومان و اولیای دین (علیهم‌السلام) به امر حدیث و کوشش‌های صادقانه راویان و محدثان امانت‌دار، در حفظ و نگهداری آن، متأسفانه روایات و اخبار دچار آسیب‌های عمدی و سهوی شده است. از جمله این آسیب‌ها، تعارض و اختلاف میان روایات است. بحث اختلاف و تعارض در اخبار، از مشکلات اساسی علم فقه و حدیث‌پژوهی است و از صدر اسلام تاکنون، موجبات نگرانی محدثان، متکلمان و فقیهان را فراهم کرده؛ تا آنجا که هر گروه برای حل این معضل فرهنگی و دفع هر گونه طعن از مذهب خویش، دانش «مختلف الحدیث» را تأسیس نموده و در این زمینه، دست به تألیف و نگارش زدند. پدیده تعارض اخبار، علل و عوامل گوناگونی داشته است که برخی از آنها مربوط به طبیعت کلام بشری و چگونگی نقل و بیان آن و برخی دیگر مربوط به عوامل بیرونی و خارج از متن کلام است. از آنجا که ناآگاهی از این عوامل، مایه شک و شبهه برخی در اساس اسلام شده، مسأله کشف و شناسایی این علل و عوامل، از دیرباز از مباحث مهم و دغدغه‌آور علمای اسلامی بوده است. بدین گونه که راویان، همین پرسش را برای معصومان (علیهم‌السلام) مطرح نموده و آنان عواملی را برای پدیده اختلاف اخبار بر شمرده‌اند (ر.ک. کلی‌نی، ۱۴۰۷ق ج ۱، ص ۶۲-۶۸) و در ادامه، عالمان و متفکران اسلامی به بسط زوایای دیگر آن پرداخته‌اند.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، بررسی رویکرد حدیث‌پژوهان شیعه مذهب؛ محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی معروف به ثقة‌الاسلام کلینی (ره) (۳۲۹ق)؛ محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ره) (۳۸۱ق)؛ محمد بن حسن بن علی بن حسن معروف به شیخ طوسی (ره) (۴۶۰ق)، نسبت به

پدیده تعارض اخبار و مختلف الحدیث و چگونگی برخورد ایشان در حل تعارضات احادیث می‌باشد.

جهت استخراج نظرات این سه دانشمند بزرگوار، کتاب الکافی مرحوم کلینی (ره) و مَنْ لَایَحْضُرُهُ الْفَقِیْهُ شیخ صدوق (ره) وَ تَهْذِیْبِ الْأَحْکَامِ وَالْإِسْتِبْصَارِ فِیْمَا اخْتَلَفَ مِنْ الْأَخْبَارِ شیخ طوسی (ره) مورد بررسی قرار گرفته، نتایج هر کدام جداگانه ارائه شده و در نهایت با یک مقایسه کلی شباهت‌ها و تفاوت روش‌های ایشان معرفی می‌گردد.

پیش از این نسبت به هر کدام از کتب فوق منابع پژوهشی جداگانه‌ای تهیه شده، که بیشتر رویکرد آنها، معرفی این منابع از منظر کاربرد فقهی آنها بوده، و در حوزه علوم حدیث نیز مقالاتی در موضوعات مختلف از جمله تعارض اخبار حول هر یک از آنها نگاشته شده، مانند «فقه الحدیث در من لایحضره الفقیه» مجله پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۸۲ و مقاله «شیوه کلینی در گزینش احادیث کافی» از مهدی اکبر نژاد نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، پیاپی ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲ و مقاله «اختلاف حدیث و رفع آن در آثار شیخ صدوق (ره)» از سیدمحسن موسوی فصل‌نامه سفینه، پیاپی ۴۴، پاییز ۱۳۹۳ و مقاله «شیخ طوسی (ره) و روش‌های نقد حدیث در تهذیبین» از فتحیه فتاحی زاده، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸. لکن مقایسه‌ای بین نظرات این سه محدث متقدم از منظر برخورد با واقعه اختلاف بین احادیث و بررسی راه کارهای ارائه شده، چگونگی چاره و علاج آن دیده نشد؛ لذا تحقیق پیرامون این موضوع به جهت دستیابی به روش صحیح‌تر در برخورد با این معضل حدیثی ضروری به نظر می‌رسد.

۲. راه‌کارهای رفع تعارض در اخبار

رفع تعارض موجود در بین روایات متعارض که در علوم حدیث به عنوان تأویل مختلف الحدیث یا تلفیق مختلف الحدیث مطرح است، در سه مرحله به ترتیب، قابل اجراست:

۲-۱. مرحله جمع

۲-۱-۱. جمع دلالی (عرفی): که بر اساس قواعد و عرف هر زبانی است؛ مانند تنافی که بین عام و خاص و یا مطلق و مقید وجود دارد که بر اساس قاعده تخصیص، خاص بر عام، مقدم می‌شود و بر اساس قاعده تقیید، مقید بر مطلق، مقدم می‌گردد.

۲-۱-۲. جمع تبرعی: که بر اساس قواعد زبان دین است، مانند حمل امر بر استحباب و یا حمل نهی بر کراهت.

۲-۲. مرحله ترجیح

اگر تعارض حقیقی باشد و به هیچ صورتی نتوانیم تعارض موجود را رفع کنیم، مطابق نظر متقدمین و متأخرین در عصر غیبت مجبوریم بر اساس مرجحات (معیارها و مزایایی که موجب ترجیح یک روایت می‌شود) یکی از روایات را بر دیگری ترجیح داده، بپذیریم و روایت دیگر را رد نهائیم. مرجحات به دو نوع سندی و متنی تقسیم‌بندی می‌شوند (ر.ک؛ طباطبایی و همکاران: ۱۱۳).

اگر نتوانیم بر اساس مرجحات، یک روایت را بر دیگری ترجیح دهیم اصطلاحاً حالت تعادل پیش می‌آید که در این صورت دو نظر مطرح است: الف: توقف، ب: تخیر (ر.ک؛ قاسم پیوندی: صص ۱۷۹-۱۸۱).

۳. روش محدثین متقدم در رفع تعارض اخبار

۳-۱. شیخ کلینی (ره)

شیخ ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی معروف به ثقه الاسلام کلینی (ره)، رئیس المحدثین و یکی از شخصت‌های بزرگ جهان اسلام به ویژه تشیع می‌باشد؛ که در حدود قرن سوم متولد شده است. از نظر گروهی از مورخان سال (۲۵۵ق) ولادت یافته و در سال (۳۲۹ق) از دنیا رفته است. خاستگاه کلینی (ره) یکی از روستاهای ری به نام کلین بوده و مدتی را نیز در قم و بغداد به سر برده است. بنا بر نظر علمای جهان اسلام مهم ترین اثر ایشان کتاب «الکافی» است. مرحوم کلینی کتاب‌های دیگری مانند «رسائل الائمة (علیهم السلام)»، «کتاب رجال»، «الرد علی القرامطه»، «تعبیر الرویا» و... نیز تالیف نموده است. در هر صورت مهم ترین اثری که را او جزو والاترین چهره‌های درخشان بین شیعیان قرار داده است، کتاب گران قدر الکافی (اصول و فروع کافی) است (ر.ک؛ نصیری، ۱۳۸۸ش: صص ۳۱-۴۰).

۳-۱-۱. شیوه گزینش احادیث

با مروری بر اصطلاحات رجال عالمان شیعه، صحیح در نزد قدما روایتی است، که به صدور آن از معصومان (علیهم السلام) اطمینان شده باشد؛ اعم از این که منشاء اطمینان، عدالت و وثاقت راوی باشد یا نشانه‌های دیگر؛ حال آن که از نگاه عالمان متأخر شیعی، صحت حدیث معمولاً بر پایه میزان اعتماد به رجال سند آن ارزیابی می‌گردد. به نظر می‌رسد کلینی (ره) نیز رویکردی هماهنگ با دیگر عالمان متقدم هم عصر خویش را دنبال کرده و بر این پایه، منطقی به نظر می‌رسد بپذیریم که شیوه کلینی (ره) در گزینش احادیث خود، اطمینان به صدور آن از معصومان (علیهم السلام) به هر شکل ممکن بوده است. شاید برای صحت یک حدیث نزد کلینی (ره) و دیگر متقدمان ضرورت نداشته، که یکایک راویان امامی مذهب باشند؛ بلکه تنها کافی بوده، که با برخی قرائن مرجح، صدور سخن از معصوم اثبات شود (ر.ک؛ معروف الحسینی، ۱۴۲۶ق: ۱۴۰).

لکن از مقدمه کافی برمی‌آید، کلینی (ره) نیز به عنوان یکی از متقدمین در گزینش حدیث، به ضرورت عدالت راوی در عمل و عقیده باور داشته است. وی در مقدمه کافی پس از بیان روایتی مبنی بر این که «هر که امر امامت ما را از قرآن نفهمد، از فتنه‌ها بیرون نرود»، بلافاصله به لزوم توجه به ایمان راوی تأکید می‌کند: کسانی از این فتنه‌ها سالم بیرون می‌روند که دین خود را با علم و بصیرت از کتاب و سنت نبوی گرفته باشند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۷).

کلینی (ره) در مقدمه کافی به صراحت عدم تعارض با قرآن و موافقت با اجماع و نیز مخالفت با فتاوی عامه را از ملاک‌های گزینش اخبار کافی برمی‌شمرد و در ادامه می‌افزاید با این معیارها فقط مقدار کمی از روایات را قابل تشخیص می‌باشد و لذا مناسب است این دستور آسان را بپذیریم که هر کدام از روایات متعارض را اخذ کنید به عنوان پذیرش از امام برای شما رواست (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۸).

رضا و تسلیم در اخذ روایات مخالف، یکی دیگر از معیارهای کلینی در گزینش اخبار است؛ بدین معنا که هر گاه کشف حکم از میان دو روایت مخالف و متعارض مشتبه و وجهی برای ترجیح دیده نشود، نه بر پایه عرضه به قرآن، نه بر پایه مخالفت با فتاوی عامه، و نه هیچ معیار دیگری نتوان دریافت که حکم حقیقی اهل بیت (علیهم‌السلام) درباره مسأله کدام است، می‌توان از میان دو روایت، از باب «بأیما أخذتم من باب التسلیم وسعکم» هر یک از دو روایت متعارض را که بدان خرسند و به صحت نزدیک تر بود، را انتخاب نمود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۹).

در باب اختلاف حدیث کتاب کافی، راهکار بر خورد با احادیث و اخبار متعارض را رجوع به شخص آگاه و دانشمند و در صورت عدم دسترسی تخییر را معرفی می‌نماید: «عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اخْتَلَفَ عَلَيْهِ رَجُلَانِ مِنْ أَهْلِ دِينِهِ فِي أَمْرٍ كِلَاهُمَا يَرَوِيهِ أَحَدُهُمَا يَأْمُرُ بِأَخْذِهِ وَالْآخَرُ يَنْهَاهُ عَنْهُ كَيْفَ يَصْنَعُ فَقَالَ يَرْجِعُهُ حَتَّى يَلْقَى مَنْ يَخْبِرُهُ فَهُوَ فِي سَعَةٍ حَتَّى يَلْقَاهُ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بَأَيِّمَا أَخَذْتَ مِنْ بَابِ

التَّسْلِيمِ وَسَعِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۶۶). سماعه می گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: مردی است که دو نفر از هم مذهبانش در یک مسئله دینی به اختلاف نظر می دهند و هر کدام هم روایتی بر گفته خود دارند، یکی به کاری امرش می کند و دیگری از آن کار نهی می کند تکلیف این مرد چیست؟

فرمود: فهم حقیقت را عقب اندازد تا به امامی برسد که او را از واقع مطلب خبر دهد، تا زمانی که امام را ملاقات کند در کار خود مختار است و در روایت دیگر است که به هر کدام از دو روایت عمل کنی برایت جائز است. علامه مجلسی (ره) ذیل این حدیث، دو وجه برای کلام امام (علیه السلام) پیشنهاد کرده، می گوید: در برخورد با احادیث متعارض یا باید به امام معصوم (علیه السلام) دسترسی پیدا نمود و یا به حکم و فتوی قطعی و در غیر این صورت و از باب اضطرار، شخص مخیر در عمل بین اخبار مخالف می باشد.

این در حالی است که در آخرین حدیث این باب مرحوم کلینی (ره) از قول حضرت صادق (علیه السلام) مرجحاتی را برای رفع تعارض و انتخاب خبر صحیح معرفی می نماید که عبارتند از: الف. انتخاب راوی افقه و راستگوتر؛ ب. ترک روایت شاذ؛ ج. برگزیدن روایت موافق با قرآن و سنت د. ترک روایت موافق عامه و در مرحله آخر در صورت عدم وجود ترجیحات فوق خیر در توقف در آن موضوع می باشد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۷۶).

با مراجعه به روایات مختلف برخی از ابواب کتاب کافی، بعضاً روایاتی متعارض و احياناً غیر قابل جمع دیده می شود؛ در این میان، می توان بر اساس عنوانی که وی برای باب برگزیده، و یا اشاراتی که ذیل احادیث متعارض آورده، به فتوای مختار وی پی برد. مثلاً در کتاب صوم روایتی نقل می کند، مبنی بر روزه گرفتن پیامبر (ص) در ماه شعبان، و سپس روایاتی را می آورد که پیامبر و نیز ائمه هیچ یک ماه شعبان را روزه نمی گرفته اند او بعد از نقل این روایات به ظاهر متعارض می نویسد:

این که روایاتی سیره پیامبر (ص) و ائمه را، نفی روزه‌داری در ماه شعبان دانسته، بدان علت است که گروهی روزه این ماه را همانند ماه رمضان و واجب دانسته‌اند و اگر کسی یک روز از آن را افطار کند کفاره‌ای مانند کفاره روزه ماه رمضان بر او واجب می‌شود؛ اما این روایت، روزه را با عنوان واجب نفی می‌کند. پس روزه آن‌ها در ماه شعبان عملی مستحبی تلقی می‌شود (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۴: ۹۰-۹۱).

با این حال، مواردی نیز می‌توان دید که کلینی - با در نظر گرفتن سایر معیارهای گزینش حدیث - تنها روایاتی را که با فتوای فقهی خود سازگار بوده ذکر کرده، و از یادکرد روایات خلاف آن چشم پوشیده است. برای مثال، کلینی (ره) در مورد نماز مسافر فقط روایاتی را ذکر می‌کند که ملاک قصر نماز را مسافت چهار فرسخ بیان نموده‌اند (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۴۳۲)؛ حال آن که در بسیاری از کتب حدیثی هشت فرسخ را برای تقصیر لازم می‌دانند. بر این پایه، ممکن است کلینی (ره) به دلیل اعتقاد به فتوای خود از نقل روایات هشت فرسخ صرف نظر کرده باشد (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق. ج ۸: ۴۵۳).

بدین ترتیب مرحوم کلینی بیشتر کوشیده تا از انعکاس روایات متعارض، که کار فهم و قضاوت را دشوار می‌کند، اجتناب کند. گرچه ایشان از این جهت که در انتخاب روایات، به اجتهاد خود عمل کرده و با عدم انعکاس همه روایات و همچنین ارائه نکردن معیارهای خاص و موردی خود در انتخاب اخبار متعارض، برای قضاوت آیندگان، مورد انتقاد قرار گرفته است (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق. ج ۱: ۵). اما به هر حال وی کافی را برای رفع اختلافات و تعارض متون روایات و اخبار رسیده از معصومان (علیهم‌السلام) فراهم ساخته است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۱: ۸).

۲-۳. شیخ صدوق (ره)

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق (ره) در زمان غیبت صغرا در حدود سال (۳۰۶ ق.) در قم چشم به جهان گشود. نجاشی از ایشان به عنوان شیخ طائفه یاد می‌کند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۱) شیخ طوسی (ره) آثار مکتوب ایشان را سیصد عنوان معرفی نموده، به تعدادی از آنها اشاره می‌کند؛ نظیر من لایحضره الفقیه، معانی الاخبار، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، التوحید، عمل الشرائع، الخصال، عقاب الاعمال و آثاری دیگر (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۳). سرانجام این عالم بزرگوار، پس از گذشت حدود هفتاد پنج سال، در سال (۳۸۱ ق.)، در شهری دیده از جهان فروبست (ر.ک؛ نصیری، ۱۳۸۸: ۷۱-۸۰).

۱-۲-۳. شیوه برخورد شیخ صدوق (ره) با احادیث متعارض

ایشان اصل وجود اختلاف در کلام معصومان (علیهم السلام) را باور نداشته و میان اختلاف در اصل کلام ایشان و کلام منقول از آنها فرق می‌گذارد (ر.ک؛ موسوی و خرمی: ۱۴) به عقیده وی، چون منشأ سخن اما مان، خدای تعالی است، پس اختلافی در اخبار ایشان نیست (فَأَخْبَارُهُمْ عَ لَا تَخْتَلِفُ فِي حَالَةٍ وَاحِدَةٍ لِأَنَّ مَخْرَجَهَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَإِنَّمَا تَخْتَلِفُ بِحَسَبِ اخْتِلَافِ الْأَحْوَالِ) (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱: ۱۳۱). ایشان در ادامه در جایگاه دیگری آورده است: حجت های الهی و ائمه معصومین (علیه السلام) بسیار برتر و بلندمرتبه تر از آن هستند، که اخبارشان با هم اختلاف داشته باشد، مگر به سبب اختلاف احوال، یعنی خبری که متضمن حکمی در حال خاصی است، در صورتی که آن حال در جای دیگر تغییر پیدا کند، حکم نیز به تبع حال اخیر دگرگون می‌شود (جَلَّ حُجْجُ اللَّهِ عَ أَنْ تَكُونَ أَخْبَارُهُمْ مُخْتَلِفَةً إِلَّا لِاخْتِلَافِ الْأَحْوَالِ) (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱: ۴۰۷).

شیخ (ره) معتقد است، هیچ گاه در سخنان دو معصوم درباره یک مورد خاص اختلافی وجود نداشته، بلکه اگر اختلافی از سوی خوانندگان و شنوندگان احادیث احساس می شود، به دلیل اختلاف در مورد و موقعیت صدور حدیث و اختلاف در احوال است: «هَذِهِ الْأَخْبَارُ اِخْتَلَفَتْ لِاِخْتِلَافِ الْأَحْوَالِ وَ لَيْسَتْ هِيَ عَلَيَّ اِخْتِلَافَهَا فِي حَالٍ وَاحِدَةٍ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۱۲۲) و همچنین ایشان تنها علت بروز اختلاف حقیقی در احادیث در ناحیه صدور را «تقیه» می داند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۱۷).

از طرفی دیگر، در کتاب الاعتقادات ابن بابویه (ره) بابی با عنوان الاعتقاد فی الحدیثین المختلفین آمده، که در آن بحث اختلاف حدیث را در کنار اعتقادات مهم و اساسی شیعه، مطرح نموده و نظرات راهبردی خود را در این درباره ابراز داشته است. وی در این باره می نویسد: «اعْتَقَادُنَا فِي الْأَخْبَارِ الصَّحِيحَةِ عَنِ الْأَئِمَّةِ أَنَّهَا مُوَافِقَةٌ لِكِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُتَّفَقَةً لِمَعَانِي غَيْرِ مُخْتَلَفَةٍ لِأَنَّهَا مَا خُوذَتْ مِنْ طَرِيقِ الْوَحْيِ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى وَكَوْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَانَتْ مُخْتَلَفَةً وَلَا يَكُونُ اِخْتِلَافُ ظَوَاهِرِ الْأَخْبَارِ إِلَّا لِعَلَلٍ مُخْتَلَفَةٍ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۱۱۷).

لذا شیخ صدوق (ره) در پاره ای از موارد به شیوه های مختلف در علاج اختلاف احادیث کوشیده است که برخی از آنها از این قرار است:

۳-۲-۱-۱. جمع بین روایات

۳-۲-۱-۱-۱. حمل اخبار مجمل بر مفصل (مفسر)

شیخ صدوق (ره) در کتاب الاعتقادات «باب الاعتقاد فی الأخبار المفسرة والمجملة» می گوید: اعتقادنا فی الحدیث المفسر أنه یحکم علی المجمل (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۱۱۴) در اینجا درباره دو دسته از روایات سخن به میان آمده که به ظاهر با هم متفاوتند، اما در یکی به اجمال و در دیگری به تفصیل مطلبی بیان شده است. ایشان حمل احادیث

مجمعل بر احادیث مفسر را به عنوان یکی از راه کارهای جمع و رفع تعارض اخبار معرفی نموده است.

ابن بابویه (ره) در کتاب من لا یحضره الفقیه، در «باب فی أن الإنسان أحق بماله ما دام فیه شیء من الروح» با نقل و شرح روایاتی، به این امر متذکر شده، که انسان حق دارد که در زمان حیات خود، مقداری را از مال خودش جدا سازد، یا همگی آن را در زمان حیاتش ببخشد، و به شخصی که به او بخشیده است تسلیم کند، ولی در صورتی که بخواهد نسبت به آن پس از مرگش وصیت کند، سهمی افزون از ثلث ندارد.

ایشان در ادامه این باب، روایتی را که عمار بن موسی از امام صادق (علیه السلام) نقل نموده اند: «الرَّجُلُ أَحَقُّ بِمَالِهِ مَا دَامَ فِيهِ الرُّوحُ إِنَّ أَوْصَىٰ بِهِ كُلَّهُ فَهُوَ جَائِزٌ لَهُ». این روایت، مرد را تا زمانی که در قید حیات است، نسبت به مال خود سزاوارتر دانسته، چنانکه اگر درباره همگی آن وصیت کند برای او جایز است. صدوق (ره) می نویسد: «فَإِنَّهُ يَعْنِي بِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَارِثٌ قَرِيبٌ وَلَا بَعِيدٌ فَيُوصَىٰ بِمَالِهِ كُلِّهِ حَيْثُ يَشَاءُ وَ مَتَى كَانَ لَهُ وَارِثٌ قَرِيبٌ أَوْ بَعِيدٌ لَمْ يَجْزَلْهُ أَنْ يُوصَىٰ بِأَكْثَرِ مِنَ الثُّلُثِ وَإِذَا أَوْصَىٰ بِأَكْثَرِ مِنَ الثُّلُثِ رُدَّ إِلَى الثُّلُثِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۰۱).

لذا این حدیث ناظر به موردی است که شخص صاحب مال، وارثی نزدیک یا دور نداشته باشد، که در این صورت می تواند نسبت به تمام دارایی خود، هر گونه که بخواهد، وصیت کند؛ ولی اگر وارثی نزدیک یا دور داشته باشد، جایز نیست که به بیش از ثلث وصیت کند، و در صورتی که به بیش از ثلث وصیت کند، وصیتش به همان ثلث باز می - گردد.

شیخ (ره) برای تصدیق سخن خویش، در ادامه با عبارت «وَتَصَدِّقُ ذَلِكَ» روایت دیگری به نقل سکونی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که از امام باقر (علیه السلام) درباره مردی پرسیدند که می میرد در حالی که نه وارثی دارد و نه قوم و قبیله ای، امام (علیه السلام) فرمود: او مال خود را به دلخواهش در جهت نفع و صلاح مسلمین، و

کممک به مساکین و در راه ماندگان وصیت کند. ایشان در ادامه، این حدیث را مفسر دانسته که حاکم بر حدیث مجمل قبلی است و به این ترتیب، تعارض ظاهری میان این دو دسته از روایات را برطرف نموده است (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۰۲).

۳-۲-۱-۱-۲. حمل مطلق بر مقید

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَتَرَكَتْ زَوْجَهَا وَ لَهَا وَارِثٌ لَهَا غَيْرُهُ قَالَ إِذَا لَمْ يَكُنْ غَيْرُهُ فَالْمَالُ لَهُ وَ الْمَرْأَةُ لَهَا الرُّبْعُ وَ مَا بَقِيَ فَلِلْإِمَامِ. قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا فِي حَالِ ظُهُورِ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَمَّا فِي حَالِ غَيْبَتِهِ فَمَتَى مَاتَ الرَّجُلُ وَ تَرَكَ امْرَأَةً وَ لَهَا وَارِثٌ لَهُ غَيْرُهَا فَالْمَالُ لَهَا وَ تَصَدِيقُ ذَلِكَ. مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَ تَرَكَتْ زَوْجَهَا قَالَ فَالْمَالُ كُلُّهُ لَهُ قُلْتُ الرَّجُلُ يَمُوتُ وَ يَتَرَكَ امْرَأَتَهُ قَالَ الْمَالُ لَهَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۲۶۲).

در اینجا سخن از خانمی است که از دنیا برود و وارثی جز شوهرش نداشته باشد، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: شوهر تمام مال زن را به ارث می برد و در صورتی که زن تنها وارث شوهر باشد، یک چهارم را به ارث می برد و باقیمانده آن، متعلق به امام است. شیخ صدوق (ره) اطلاق بخش اخیر این روایت را، به استناد روایتی دیگر از امام صادق (علیه السلام) مقید نموده، می گوید: این حکم مربوط به زمان حضور امام (علیه السلام) است؛ اما در حال غیبت، تمام مال به زن می رسد.

۳-۲-۱-۱-۳. حمل صیغه وجوب بر استحباب

«رَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَتَمَتَّعُ فَيَنْسَى أَنْ يَقْصِرَ حَتَّى يَهْلَ بِالْحَجِّ فَقَالَ عَلَيْهِ دَمٌ. وَ فِي رِوَايَةٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ الدَّمُ عَلَى الْأَسْتِحْبَابِ وَ الْأَسْتِغْفَارُ يُجْزِي عَنْهُ وَ الْخَبْرَانِ غَيْرُ مُخْتَلِفَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۷۶).

در اینجا شیخ صدوق (ره) ریختن خون را حمل بر استحباب گرفته و طلب آ مرزش شخص را از آن کافی دانسته، تعارض این دو خبر را بر طرف می نماید.

۳-۲-۱-۱-۴. حمل صیغه نهی بر کراهت

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الشَّيْبُ نُورٌ فَلَا تَنْتَفُوهُ، وَكَانَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَأَ يَرَى بَجْزَ الشَّيْبِ بَأْسًا وَيَكْرَهُ نَتْفَهُ. فَالْتَهَى عَنْ نَتْفِ الشَّيْبِ نَهَى كَرَاهِيَهُ لَأَ نَهَى تَحْرِيمًا لَأَنَّ. عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ لَأَ بَأْسَ بَجْزِ الشَّمْطِ وَنَتْفِهِ وَجَزُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَتْفِهِ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۳۱).

در روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شده که موی سفید نور است؛ پس آن را نکنید و در روایت امام صادق (علیه السلام) جواز کندن آن صادر شده است. لذا شیخ صدوق (ره) جهت رفع تعارض می نویسد: نهی از کندن موی سفید به معنای کراهت است، نه نهی تحریمی.

۳-۲-۱-۱-۵. حمل تعدد مصادیق

شیخ صدوق (ره) در موضوع پایان سن یتیمی تعدادی روایت آورده، که مصادیق متفاوتی به عنوان ملاک تشخیص معرفی می شود «و رَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ لَأَ يُدْخَلُ بِالْجَارِيَةِ حَتَّى يَأْتِيَ لَهَا تِسْعُ سِنِينَ أَوْ عَشْرًا. وَ قَدْ رَوَى عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ آتَيْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ قَالَ إِيْنَسُ الرُّشْدِ حِفْظُ الْمَالِ.»

و فی روایة مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ قَالَ فِي تَفْسِيرِ هَذِهِ آيَةِ إِذَا رَأَيْتُمُوهُمْ يُجْبُونَ آلَ مُحَمَّدٍ فَارْفَعُوهُمْ دَرَجَةً.

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْحَدِيثُ غَيْرُ مُخَالَفٍ لِمَا تَقَدَّمَ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا أُونَسَ مِنْهُ الرُّشْدُ وَ هُوَ حَفْظُ الْمَالِ دُفِعَ إِلَيْهِ مَالُهُ وَ كَذَلِكَ إِذَا أُونَسَ مِنْهُ الرُّشْدُ فِي قَبُولِ الْحَقِّ اخْتَبِرَ بِهِ وَ قَدْ تَنْزَلُ الْآيَةُ فِي شَيْءٍ وَ تَجْرِي فِي غَيْرِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۲۲۱-۲۲۲).

شیخ (ره) می گوید: این حدیث مخالفتی با حدیث قبل ندارد، زیرا زمانی برای یتیم می توان رشد قائل شد، که بتواند از مال و دارایی نگهداری کند، در این زمان مالش به او تسلیم می شود، و همچنین زمانی که به حدی از رشد برسد که حق را بپذیرد، می توان مالش را به او سپرد و این سنتی از سنن قرآنی است که گاهی آیه ای از آن در باره موضوعی نازل می شود، ولی به سنت «جری» در موارد دیگر نیز جریان می پذیرد.

۳-۲-۱-۱-۶. نوع لحن و سبک کلام

یکی از راه حل های ارائه شده توسط شیخ صدوق (ره) جهت رفع تعارض احادیث، قابلیت حمل یکی از دو طرف تعارض بر معنای استغفامی یا تعجیبی و انکاری، و سلب معنای اخباری برای حدیث مخالف است.

«و رَوَى عَمْرُو بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صل الله عليه و آله) يَصُومُ شَعْبَانَ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ يَصِلُهُمَا وَيَنْهَى النَّاسَ أَنْ يَصَلُوهُمَا وَ كَانَ يَقُولُ هُمَا شَهْرُ اللَّهِ وَ هُمَا كَفَّارَةٌ لِمَا قَبْلَهُمَا وَ مَا بَعْدَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ. قَوْلُهُ (عليه السلام) وَ يَنْهَى النَّاسَ أَنْ يَصَلُوهُمَا هُوَ عَلَى الْإِنْكَارِ وَ الْحِكَايَةِ لَا عَلَى الْأَخْبَارِ وَ كَأَنَّهُ يَقُولُ كَانَ يَصِلُهُمَا وَيَنْهَى النَّاسَ أَنْ يَصَلُوهُمَا فَمَنْ شَاءَ وَصَلَ وَ مَنْ شَاءَ فَصَلَ وَ تَصَدِّقُ ذَلِكَ. مَا رَوَاهُ - زُرْعَةُ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: كَانَ أَبِي (عليه السلام) يَفْصِلُ مَا بَيْنَ شَعْبَانَ وَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِيَوْمٍ وَ كَانَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَصِلُ مَا بَيْنَهُمَا وَ يَقُولُ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعِينَ تَوْبَةٌ مِنَ اللَّهِ. وَ قَدْ صَامَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صل الله عليه و آله) وَ وَصَلَهُ بِشَهْرِ رَمَضَانَ وَ صَامَهُ وَ فَصَلَ

بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يَصُمْهُ كَلَّةٌ فِي جَمِيعِ سَنِيهِ إِلَّا أَنْ أَكْثَرَ صِيَامِهِ كَانَ فِيهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۹۳).

شیخ (ره) در مورد ثواب روزه ماه شعبان و اتصال آن به ماه رمضان اخباری نقل می‌کند؛ سپس روایتی از امام باقر (علیه السلام) آورده، مبنی بر این که پیامبر (صلی الله علیه و آله) شعبان و رمضان را پیوسته روزه می‌داشت و مردم را از پیوستن آن دو نهی می‌فرمود. ایشان در مورد این روایات متعارض می‌گویند: این جمله که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردم را از اتصال روزه در ماه شعبان و رمضان نهی فرمود، استفهام از کار است و جمله اخباری نیست؛ مانند این که بفرماید: آیا او خود روزه می‌دارد و دیگران را نهی می‌کند؟! و در ادامه برای اثبات دیدگاه خود، به حدیث بعدی استناد می‌کند.

۳-۲-۲. ترجیح بین روایات

۳-۲-۲-۱. نقد سندی

اهتمام شیخ صدوق (ره) نقل احادیث صحیح بوده (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳) با این حال در اندک مواردی به ضعف‌های سندی برخی از روایات به دلیل راویان ضعیف، اشاره کرده آنها را فاقد اعتبار می‌داند. به عنوان نمونه پس از نقل روایتی در باره ممنوعیت نماز در برابر آتش می‌گوید: «هَذَا هُوَ الْأَصْلُ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُعْمَلَ بِهِ» در ادامه روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که نماز خواندن در برابر آتش و امثال آن را جایز می‌شمرد. آنگاه شیخ (ره) خبر دوم را به دلیل دارا بودن راویان مجهول به نام حسین بن عمرو و پدرش و عمرو بن ابراهیم همدانی و رفع در سند، اعتبار کمتری برای آن قائل است (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۲۵۱).

۳-۲-۳. تخییر بین روایات

«رَوَى عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ لِيَعْتَمِرَ أَحْرَمَ مِنَ الْجِعْرَانَةِ وَالْحُدَيْبِيَّةِ وَمَا أَشْبَهَهُمَا وَمَنْ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ يُرِيدُ الْعُمْرَةَ ثُمَّ دَخَلَ مَعْتَمِرًا لَمْ يَقْطَعْ التَّلْبِيَةَ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْكَعْبَةِ وَرَوَى أَنَّهُ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ وَرَوَى أَنَّهُ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ إِذَا دَخَلَ أَوَّلَ الْحَرَمِ وَرَوَى أَنَّهُ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ إِذَا نَظَرَ إِلَى بَيْتِ مَكَّةَ؛ قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذِهِ الْأَخْبَارُ كُلُّهَا صَحِيحَةٌ مُتَّفَقَةٌ لَيْسَتْ بِمُخْتَلَفَةٍ وَالْمُعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً فِي ذَلِكَ بِالْخِيَارِ يُحْرَمُ مِنْ أَيِّ مِيقَاتٍ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ شَاءَ وَيَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ فِي أَيِّ مَوْضِعٍ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاضِعِ شَاءَ وَهُوَ مُوسَعٌ عَلَيْهِ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (ابن بابويه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: صص ۴۵۴-۴۵۶).

در کتاب «حج» در مورد میقات عمره گزار و قطع تلبیه، مواضع متعددی در روایات معرفی شده است. شیخ (ره) همه این روایات را صحیح دانسته و بر این باور است که بین آنها اختلافی وجود ندارد و کسی که عمره مفرده انجام می دهد، اختیار دارد در هر یک از این میقات ها بخواهد، محرم شود و در هر کدام از مواضع اراده کند، تلبیه را قطع نماید.

۳-۳. شیخ طوسی (ره)

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی در سال (۳۸۵ ق.) در شهر (طوس) خراسان دیده به جهان گشود. در سال (۴۰۸ ه.ق.) به بغداد مهاجرت کرد و مدت پنج سال افتخار شاگردی شیخ مفید (ره) را داشت و در همین دوران تالیف «تهذیب الأحکام» را آغاز نمود. ایشان در این کتاب به مسأله تعارض اخبار و ارائه راه حل های آن پرداخته است. شیخ طوسی (ره) در موضوعات گوناگون مانند: حدیث و اخبار، رجال، تراجم و فهرست، تفسیر، فقه، اصول، کلام، ادعیه و اعمال، تاریخ و مقتل و... کتب مختلف و متعددی را تألیف کرده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۴۷). شیخ (ره) در اواخر عمر خود «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» بنا به درخواست گروهی از عالمان و به

منظور ارائه تلخیص از تهذیب تالیف نمود. تهذیب و استبصار (معروف به تهذیبین) از مهم‌ترین و مفصل‌ترین منابع فقهی و در شمار معتبرترین مجموعه‌های روایی شیعه به حساب می‌آیند. سرانجام ایشان در سال (۴۶۰ ق.) در نجف درگذشت (ر.ک؛ نصیری، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۰۷).

۳-۳-۱. شیوه برخورد شیخ طوسی (ره) با احادیث متعارض

با بررسی تهذیبین روشن می‌شود، که بخش عمده‌ای از تهذیب و تمام کتاب استبصار را احادیث به ظاهر متعارض تشکیل می‌دهد. ایشان در این دو کتاب بر اساس اصل عدم تناقض سخن معصومان (علیهم‌السلام) به دلیل عصمت آنان و ظهور کلام ایشان از یک منشأ واحد و همچنین عدم مخالفت حدیث ایشان با قرآن با استفاده از قواعد جمع و ترجیح و تخییر میان احادیث به ظاهر متعارض، کوشیده تا مشکل تعارض را بر طرف سازد (ر.ک؛ فتاحی‌زاده و افشاری، ۱۳۸۸ ش: ۱۰۱).

۳-۳-۱-۱. جمع بین روایات

۳-۳-۱-۱-۱. حمل مطلق بر مقید

شیخ طوسی (ره) در باب (جَوَازِ غَسْلِ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ وَ الْمَرْأَةِ زَوْجَهَا) تعدادی روایت در مجاز بودن غسل دادن میت زن توسط شوهرش و بالعکس را می‌آورد، ولی در ادامه حدیثی مبنی بر عدم جواز غسل میت زن توسط شوهرش ارائه می‌کند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَا يُغْسَلُ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ إِلَّا أَنْ لَا تُوجَدَ امْرَأَةٌ». لذا برای حل تعارض فوق از قاعده حمل مطلق بر مقید استفاده کرده بیان می‌کند جواز عمل فوق در احادیث تنها در مورد خاص و نبودن زن دیگری جهت غسل دادن می‌باشد: «فَهَذِهِ الْأَخْبَارُ وَإِنْ كَانَتْ مُطْلَقَةً فِي جَوَازِ غَسْلِ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ وَ الْمَرْأَةِ الرَّجُلَ فَإِنَّا نُقَيِّدُهَا بِالْأَخْبَارِ الَّتِي قَدَّمْنَاهَا لِأَنَّ الْحُكْمَ الْوَاحِدَ إِذَا وَرَدَ مُقَيِّدًا وَ مُطْلَقًا فَلَا خِلَافَ أَنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُحْمَلَ الْمُطْلَقُ عَلَى الْمُقَيِّدِ

عَلَى أَنَّ هَذَا الْحُكْمَ أَيْضاً إِنَّمَا يَسُوغُ مَعَ عَدَمِ النِّسَاءِ إِذَا مَاتَتِ الْمَرْأَةُ وَ عَدَمِ الرَّجَالِ إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ وَالَّذِي يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ مَا رَوَيْنَاهُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَقَدِّمَةِ وَ يَزِيدُ ذَلِكَ بَيِّنَاتٍ (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۱۹۹).

۳-۳-۱-۱-۲. حمل مجمل بر مفصل

شیخ (ره) در مبحث مسّ میت روایاتی مبنی بر وجوب غسل بر کسی که میت را لمس کرده در حالی که جسد سرد شده و هنوز غسل داده نشده، را بیان کرده و در ادامه دو حدیث از امام صادق (علیه السلام) در جواز مسّ میت و بوسیدن جسد، قبل و بعد از غسل میت می آورد. ایشان برای حل این تعارض دو حدیث فوق را مجمل و روایت قبل از آن را مفصل و مشروح دانسته، لذا محتوی این دو حدیث را مربوط به مسّ میت قبل از سرد شدن جسد و یا بعد از غسل میت می داند: «فَالْوَجْهُ فِي هَذَيْنِ الْخَبْرَيْنِ أَنْ نَحْمَلَهُمَا عَلَى أَنَّ التَّقْيِيلَ إِذَا كَانَ بَعْدَ الْمَوْتِ قَبْلَ أَنْ يَبْرُدَ أَوْ بَعْدَ الْغُسْلِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا بَأْسَ بِهِ عَلَى مَا بَيَّنَّاهُ فِي الْأَخْبَارِ الْمُتَقَدِّمَةِ وَ تِلْكَ مُفْصَلَةٌ وَ هَذِهِ مُجْمَلَةٌ وَ يَنْبَغِي أَنْ يُحْمَلَ الْمُجْمَلُ عَلَى الْمَفْصَلِ وَ يَزِيدُ ذَلِكَ بَيِّنَاتٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۳۰).

۳-۳-۱-۱-۳. حمل عام بر خاص

در کتاب استبصار باب استعمال بوی خوش، روایاتی مبنی بر مجاز نبودن شخص محرم در استعمال مواد معطر و خوش بو آمده و در ادامه ذیل دو حدیث از امام صادق (علیه السلام) مصادیق بوی خوش را معرفی نموده که با هم متفاوتند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الطَّيِّبُ الْمَسْكُ وَالْعَنْبَرُ وَالزَّعْفَرَانُ وَالْعُودُ.» و همچنین «عَنْ عَبْدِ الْعَفَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: الطَّيِّبُ الْمَسْكُ وَالْعَنْبَرُ وَالزَّعْفَرَانُ وَالْوَرْسُ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۱۸۰). در ادامه شیخ طوسی (ره) مصادیق فوق را از باب تمثیل و تقریب به ذهن دانسته، دو حدیث را در حکم کلی موافق هم و اختلاف آنها در

جزئیات می‌داند. لذا از باب حمل عام بر خاص دو حدیث را قابل جمع معرفی می‌کند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۱۸۰).

۳-۳-۱-۱-۴. حمل وجوب بر استحباب

شیخ طوسی (ره) در موضوع نماز و روزه شخصی که بیهوش و یا مجنون شده و پس از مدتی بهبودی یافته، روایاتی نقل می‌کند که چنین فردی لازم نیست، قضای نماز و روزه‌های انجام نداده را بجای آورد. ایشان در ادامه روایاتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند، که در آن دستور به قضای فرائض انجام نشده می‌دهند، در ادامه شیخ (ره) روایات دسته دوم را بر استحباب حمل کرده می‌گوید: قضای فرائض برای چنین فردی اختیاری و مستحب می‌باشد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۲۴۴-۲۴۵) این شیوه جمع بسیار در تهذیبین دیده می‌شود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، صص ۱۸۹ و ۲۰۳ و ۲۵۲) و (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: صص ۲۲ و ۴۱).

۳-۳-۱-۱-۵. حمل حرمت بر کراهت

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: لَأَبَأْسَ أَنْ يَدْخُلَ الْمُحْرِمُ الْحَمَّامَ وَلَكِنْ لَأَيْتَدَلُّكَ. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَدْخُلُ الْحَمَّامَ قَالَ لَأَيَدْخُلُ. فَأَلَوْجُهُ فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنْ نَحْمَلَهُ عَلَى ضَرْبٍ مِنَ الْكِرَاهِيَةِ دُونَ الْحَظَرِ وَالْخَبَرَ الْأَوَّلَ عَلَى الْجَوَازِ وَرَفَعَ التَّحْرِيمَ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۱۸۴).

در روایت اول شخص محرم اجازه دارد به حمام وارد شود؛ در حالی که در روایت دوم از این کار نهی شده است، در اینجا شیخ طوسی (ره) خبر دوم را نهی به معنای کراهت دانسته و لذا دو روایت فوق را فاقد تعارض می‌داند.

۳-۳-۱-۱-۶. حمل روایت بر تقیه

شیخ طوسی (ره) شماری از روایات متعارض را، در صورتی که موافق فتوای عامه باشد، حمل بر تقیه کرده است. نمونه آن در مبحث غسل میت، در ذیل چند روایت، خوشبو کردن میت و کفن آن را به غیر از بوی کافور جایز ندانسته و منع کرده، در حالی که در روایتی آن را مجاز شمرده است. در اینجا شیخ (ره) روایت متعارض را به دلیل موافقت با اهل سنت حمل بر تقیه زموده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۹۵)؛ همچنین در جایی دیگر آورده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ تَمُوتُ مِنْ أَحَقِّ النَّاسِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهَا قَالَ زَوْجُهَا قُلْتُ الزَّوْجُ أَحَقُّ مِنَ الْأَبِ وَالْوَالِدِ وَالْأَخِ قَالَ نَعَمْ وَيُغَسَّلُهَا» در ادامه دو حدیث از حضرت صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که بر خلاف روایت قبل، برادر زن فوت شده را محق بر نماز بر آن نسبت به همسرش می‌داند. لذا ایشان تعارض این دو خبر را به دلیل تقیه دانسته، در ادامه می‌گوید: «فَالْوَجْهُ فِي هَذَيْنِ الْخَبَرَيْنِ أَنْ نَحْمِلَهُمَا عَلَى ضَرْبٍ مِنَ التَّقِيَةِ لَأَنَّهُمَا مُوَافِقَانِ لِمَذَاهِبِ الْعَامَّةِ» (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۰۵).

۳-۳-۱-۱-۷. حمل ظاهر بر مجاز

شیخ طوسی (ره) گاهی از معنای ظاهری عدول کرده، جهت جمع بین روایات به معنای مجازی استناد می‌کند، چنانکه برای موضوع حداقل فاصله بین مرد و زن جهت انجام فریضه نماز، تعدادی روایت نقل نموده، فواصل مختلفی از یک و جب تا ده ذرع را بیان می‌کند، لذا برای رفع تعارض میان این دسته از روایات، شیخ (ره) مراد از فاصله را تقدم مرد بر زن می‌داند و می‌گوید: «فَالْوَجْهُ فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنْ نَحْمِلَهُ عَلَى أَنَّهُ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُتَقَدِّمًا عَلَى الْمَرْأَةِ بِشَيْءٍ يَسِيرٍ فَيَكُونُ قَوْلُهُ تَصَلَّى بِحِذَائِهَا عَلَى ضَرْبٍ مِنَ الْمَجَازِ لِقُرْبِهَا مِنْهُ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۰۰).

۳-۳-۱-۱-۸. نوع لحن و سبک کلام

طبق نظر شیخ طوسی (ره) یکی از راه حل‌های جمع بین احادیث متعارض، قابلیت حمل یکی از دو طرف تعارض بر معنای استفهامی یا تعجبی و انکاری، و سلب معنای اخباری برای حدیث مخالف است، لذا برای رفع اختلاف دو روایت که اولی برای شخص محرم صید را حرام و دومین خبر شکار در حالت احرام را حلال معرفی می‌کند، حدیث دوم را در معنا و لحن انکاری و تعجبی می‌داند و چنین می‌گوید: «قوله (ع) یَجُوزُ لِلْمُحْرَمِ أَنْ يَشِيرَ بِصَيْدٍ عَلَى مُحَلِّ انْكَارٍ وَ تَنْبِيهِ عَلَى أَنَّهُ إِذَا لَمْ يَجْزُ ذَلِكَ فَكَذَلِكَ لَا تَجُوزُ إِلَّا شَهَادَةُ عَلَى عَقْدِ الْمُحَلِّينِ وَ لَمْ يَرِدْ بِذَلِكَ الْإِخْبَارُ عَنْ إِبَاحَتِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۱۵).

۳-۳-۱-۲. ترجیح بین روایات

۳-۳-۱-۲-۱. ترجیح سندی

رویکرد شیخ طوسی (ره) را در سندشناسی یا نقد سندی روایات تهذیب، می‌توان در دو عنوان بررسی حال راویان و بررسی چگونگی طریق، خلاصه نمود؛ زیرا شیخ (ره) گاه با توجه به حال راوی به ضعف سند اشاره نموده و گاه این ضعف را با توجه نحوه ارتباط راویان سند عنوان می‌کند.

به عنوان نمونه، در ذیل مبحث حرمت زکات واجب بر بنی‌هاشم (سادات)، روایتی از ابو خدیجه که در آن جواز اعطای زکات به سادات به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده است. شیخ (ره) به ضعف ابو خدیجه نزد اصحاب اشاره کرده، خبر فوق را علی رغم نقل شدن در کتب حدیثی مختلف، ضعیف می‌داند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۳۶).

شیخ طوسی (ره)، در مواردی در بررسی حال راویان، به مذهب ایشان توجه دارد و در صورتی که راوی روایتی از فرق شیعی یا از مذاهب غیر شیعی و مخالف باشد و روایت

او در تعارض با روایات امامیه قرار گیرد، به گونه‌ای که امکان جمع آن با سایر روایات وجود نداشته باشد، به فساد روایت حکم می‌کند. لذا در روایتی از وهب بن وهب به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده است که نقش خاتم پیامبر (صلی الله علیه و آله) «لله العزیه جمیعاً» و نقش خاتم حضرت علی (علیه السلام)، «الملک لله» بود و هر دو انگشتر خود را در دست چپ می‌کردند. شیخ (ره) ذیل این روایت می‌نویسد: راوی این روایت وهب بن وهب است و او عامی، ضعیف و متروک الحدیث است و عمل به این حدیث لازم نیست (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۲).

شیخ طوسی (ره)، ارسال و انقطاع حدیث را نیز موجب ضعف و بی‌اعتباری حدیث می‌شمارد، برای نمونه، درباره مستحب بودن غسل میت، پس از نقل روایتی از ابن ابی نجران، می‌نویسد: این خبر مرسل است؛ زیرا ابن ابی نجران تعبیر عن رجل را آورده و نام روای را ذکر نکرده، چه بسا آن شخص، ثقه نبوده و نتوان به گفته او اعتماد کرد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۹).

۳-۳-۱-۲. ترجیح متنی

شیخ طوسی (ره) افزون بر نقد سندی بر اساس معیارهای مختلفی از جمله، استهشاد به قرآن، عرضه بر سنت قطعی، ترجیح موافق اجماع، مخالفت با عامه، به نقد متنی احادیث پرداخته است. از نمونه‌های موجود در تهذیبین، عرضه روایات بر قرآن می‌باشد. در این حالت، مواردی که روایت را به طور مشخص با آیه‌ای در تعارض است به آیه اشاره نموده و مخالفت مفاد حدیث را با آیه مطرح نموده، متن روایت را نقد می‌کند. لذا ایشان روایت حسین بن ابی العلاء را که در باب مسح جلو و پشت سر به هنگام وضو می‌باشد را منافی با قرآن دانسته، عمل به آن را نهی می‌کند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۶۲).

در باب تحلیل متعه شیخ (ره) روایاتی موافق با عنوان باب را آورده در ادامه روایتی از امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند: «عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِحُومَ

الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ وَنِكَاحِ الْمُتَعَةِ». ایشان حدیث مذکور را به دلیل مخالفت با سنت قطعی رده نموده می‌گویند: «الْأَخْبَارُ الْأَوْلَىٰ مُوَافِقَةٌ لِّظَاهِرِ الْكِتَابِ وَاجْتِمَاعِ الْفِرْقَةِ الْمُحَقَّعَةِ عَلَيَّ مُوجِبًا فَيَجِبُ أَنْ يَكُونَ الْعَمَلُ بِهَا دُونَ هَذِهِ الرَّوَايَةِ الشَّاذَّةِ» و لذا روایات اول را موافق با اجماع شیعه دانسته نسبت به خبر تحریم متعه ترجیح می‌دهد (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۴۲).

۳-۱-۳-۳. تخییر بین روایات

شیخ طوسی (ره) در اندک مواردی، روایات به ظاهر متعارض را در یک حد و مرتبه از صحت دانسته، بین آنها جمع و ترجیحی قائل نمی‌شود، لذا عمل به هر کدام را جایز و به انتخاب خوانند و جهت انجام تکلیف کافی می‌دانند. به عنوان مثال، در باب کفارهظهار (در اصطلاح فقه نوعی از طلاق است) دو روایت آورده، در روایت اول میزان کفاره عمل فوق را به ترتیب استطاعت شخص، آزادی یک برده و یا روزه دو ماه پی در پی و یا اطعام شصت فقیر معین می‌کند؛ در حالی که در روایت دوم اطعام شصت فقیر بر دو ماه پی در پی روزه گرفتن مقدم آمده است. شیخ (ره) دو حدیث را متعارض ندانسته، عمل به هر کدام را کافی و رافع تکلیف می‌داند (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۵۸).

۴. تحلیل و بررسی

با توجه به آنچه گذشت، وجود اختلاف و تعارض بین احادیث، مد نظر مرحوم کلینی و شیخ صدوق (ره) و شیخ طوسی (ره) بوده و برای آن راه کارهایی را معرفی نموده، به وسیله آن نسبت به رفع تعارض اقدام می‌نمودند. حاصل بررسی و مقایسه روش‌های ایشان عبارتند از:

الف. مرحوم کلینی و شیخ صدوق (ره) و شیخ طوسی (ره) اصل وجود اختلاف در کلام معصومان (علیهم السلام) را باور نداشته و میان اختلاف در اصل کلام ایشان و کلام منقول از آنها فرق می‌گذارند. به عقیده ایشان، چون منشأ سخن امامان، خدای تعالی

است، پس اختلافی در اخبار ایشان نیست و اختلاف روایات وابسته به اختلاف عمل و اسباب آنها می‌باشد.

ب. مرحوم کلینی (ره) قبل از نگارش کافی، با معیارهایی همچون عدم تعارض با قرآن و موافقت با اجماع و نیز مخالفت با فتاوی عامه، احادیث مطابق فتوای خود را انتخاب نموده و هر جا کشف حکم از میان دو روایت مخالف و متعارض، مشتبه و وجهی برای ترجیح پیدا نموده، از باب «بأیما أخذتم من باب التسليم و سعکم» هر یک از دو روایت متعارض را که بدان خرسند و به صحت نزدیک تر بوده، را انتخاب و در کافی نگاشته است و بدین ترتیب مرحوم کلینی کوشیده تا از انعکاس روایات متعارض اجتناب کند؛ بدون آنکه روش عملی خود را نمایان سازد.

ج. به نظر می‌رسد، مرحوم کلینی (ره) تقریباً به صورت کامل و شیخ صدوق (ره) به طور نسبی و تا حدودی در بحث تعارض اخبار، احادیث موافق فتوای خود را آورده و با احتراز از نقل روایات متعارض قصد منسوخ نمودن اخبار مخالف را داشته‌اند؛ ولی به دلیل گسترش زیاد این گونه از احادیث، روش حذفی فوق پاسخ‌گو و درمان‌گر نبوده، لذا شیخ طوسی (ره) جهت حل مشکل تعارض بین روایات نسبت به ارائه روش و منش منطقی و عملی در برخورد با آنها اقدام نمود.

د. با توجه به قلت احادیث متعارض ذیل یک مبحث در کتاب الکافی می‌توان گفت، شیخ کلینی (ره) اغلب در برخورد با احادیث متعارض از ابزار ترجیح و یا تخییر و توقف استفاده نموده، بدون آنکه وجه ترجیح و یا دلیل تخییر آن را عنوان کند؛ و این در حالی است که شیخ صدوق (ره) و شیخ طوسی (ره) هر دو به روش جمع بین روایات متعارض توجه داشته و می‌توان صدوق (ره) را اولین جامع نویسنده متقدم دانست که به جمع بین روایات متعارض پرداخته و براهین تجمیع خود را در ذیل پاره‌ای از آنها آورده است.

هـ. روش‌های جمع بین احادیث صدوق (ره) و طوسی (ره) بسیار شبیه به هم می‌باشد، هر دو ابتدا روایت موافق فتوای خود را آورده و پس از آن روایت مخالف و در ادامه

نظرات خویش را ارائه می‌دهند و در بسیاری از موارد روایت دیگری را در جهت تایید نظرشان عرضه می‌کنند. با این تفاوت که شیخ طوسی (ره) روشمند و جامع و مانع تر به این کار پرداخته و اصولاً هدفش از تالیف تهبیین حل تعارضات بین اخبار بوده و این در حالی است که صدوق (ره) بیشتر در پی نگارش کتابی صحیح و خودآموز برای مسائل فقهی مبتلا به مردم آن زمان بوده و به تناسب موقعیت نسبت به ارائه دلایل رفع تعارض همت گماشته است. لذا کتاب (من لایحضر فقیه) نسبت به (تهذیب) و (استبصار) از شرح و بسط کمتری از نظرات نگارنده ذیل احادیث دارا می‌باشد.

و. هر سه، نقد متن احادیث متعارض و مختلف را به وسیله آیات قرآن، سنت قطعی، اجماع، و مخالفت با فتاوی عامه، را مهمترین معیار ترجیح بین روایات دانسته‌اند. از این رو ترجیح متنی بیشتر از ترجیح سندی در بین اخبار متعارض کتب من لایحضر و تهبیین دیده می‌شود.

ز. تعادل و تخییر به عنوان یک روش حل تعارض بین احادیث در نظرات هر سه محدث دیده می‌شود، لکن به نظر می‌رسد، کلینی (ره) در کنار روایت انتخابی روایات مخالف را نیاورده، صدوق (ره) در اندک مواردی روایت مد نظرش را همراه با روایت به ظاهر متعارض آورده و پیشنهاد به تخییر بین آنها می‌دهد، ولی طوسی (ره) هر جا از تخییر استفاده کرده (که تعدا آن کم می‌باشد) روایات به ظاهر مخالف آن را نیز نشان داده، سپس رأی به تخییر و تعادل می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه گذشت، موضوع اختلاف اخبار و تعارض بین بعضی از روایات، مورد توجه هر سه محدث متقدم شیخ کلینی (ره) و شیخ صدوق (ره) و شیخ طوسی (ره) بوده است. هرچند اصل تعارض حقیقی و اصیل را بین اخبار سیده از معصومان (علیهم السلام) را مردود دانسته؛ علت آن را موقعیت صدور حدیث و اختلاف

در احوال روایان و مخاطبان آن نشان داده‌اند. لذا جهت اصلاح وضعیت اخبار متعارض، با استفاده از معیارهایی در صدد رفع این مشکل برآمدند؛ شیخ کلینی (ره) اغلب از روش ترجیح و تخییر و توقف استفاده نموده، بدون آنکه دلایل خاص انتخابش را ذیل احادیث متعارض بیان کند و این در حالی است که شیخ صدوق (ره) علاوه بر دو روش فوق، از روش جمع نیز استفاده نموده، در ذیل پاره‌ای از احادیث، براهین خود را جهت رفع تعارض اخبار منقوله بیان می‌کند، لذا ایشان را می‌توان اولین جامع نویس متقدم شیعی دانست، که به طور کلاسیک و علمی نسبت به رفع تعارض بین روایات پرداخته است؛ و در آخر شیخ طوسی (ره) نیز، اساس و بنیان کار خود را بر ارائه دلایل و ادله منطقی جهت رفع اختلاف حدیث قرار داده، رفع تعارض اخبار را قانون‌مند و روش‌مند نمود؛ و با تالیف تهذیبین پایه گذار ساختار و پایگاهی جامع و علمی جهت حل معضل فوق در آن زمان و همچنین آموزش روش برخورد با این موضوع و مباحث مشابه، جهت آیندگان گردید.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۴۱۴ق). *اعتقادات الإمامیه (لا صدوق)*. قم: کنگره شیخ مفید.

_____ (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. محقق/مصحح: علی اکبر غفاری. قم:

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

_____ (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. محقق/مصحح: غفاری. علمی

اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اکبر نژاد، مهدی و فرزند وحی، جمال. (۱۳۹۲). *شیوه کلینی در گزینش احادیث*

کافی. تهران: صحیفه مبین. شماره ۵۳. تابستان. ۱۱۳-۱۳۰.

حسینی طباطبائی، سیدعلی و دیگران. (۱۳۹۲). «نظر صاحب حدائق در و جوه محتمل در جمع اخبار علاجیه». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*. بهار و تابستان. شماره ۸، ۱۰۳-۱۲۲.

حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت.

دلبری، سید علی. (۱۳۹۱). *آسیب شناسی فهم حدیث*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: بیروت. دارالعلم الدار الشامیه.

سیستانی. سید علی. (۱۴۱۴ق). *الرافد فی علم الاصول*. تقریر سید منیر سیدعتان. قم: مکتب آیه الله سیستانی.

الصالح، صبحی. (۱۴۱۷ق). *علوم الحدیث و مصطلحه*. قم: مکتبه الحدریه. الصدر، السید محمدباقر. (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الاصول*. تقریر السید محمود الهاشمی الشاهرودی. قم: مؤسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی.

طباطبائی، سید محمد کاظم. (۱۳۹۰). *من مطلق فهم حدیث*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۰ق). *الایستبصار فیها اختلف من الأخبار*. محقق / مصحح: حسن الموسوی خراسان. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول (للطوسی)*. محقق / مصحح: عبدالعزیز طباطبائی. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. محقق / مصحح، حسن الموسوی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- العاملی، حسین بن عبدالصمد (والمد الشیخ البهایی). (۱۴۰۱ق). **و صول الاخیار اعلی اصول الاخبار**. تحقیق عبداللطیف الکوه کمری. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- فتاحی زاده، فتحیه و افشاری، نجمیه. (۱۳۸۸ش). **شیخ طوسی و روش های نقد حدیث در تهذیبین**. تهران: مطالعات قرآن و حدیث. بهار و تابستان. شماره ۴. ۹۷-۱۱۸.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ق). **الوافی**. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- قاسم پیوندی، محمد حسین. (۱۳۹۴ق). **تهذیب الدرایه**. اصفهان: نشر حیات طیبه.
- کلینی، ۱۴۰۷ق. محمد بن یعقوب بن اسحاق. **الکافی** (۱۴۰۷ق). (ط-الإسلامیه). تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۴ق). **مرآة الع قول فی شرح أخبار آل الرسول**. محقق/صحح: سیدهاشم سولی محلاتی. تهران. ناشر: دارالکتب الاسلامیه.
- معروف الحسنی، هاشم. (۱۴۲۶ق). **دراسات فی الحدیث و اله حدیثین**. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- مظفر، محمدرضا. (۱۴۲۳). **اصول الفقه**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی، سیدمحسن، خرمی، مرتضی. (۱۳۹۳). **اختلاف حدیث و رفع آن در آثار شیخ صدوق (ره)**. سفینه. پاییز. شماره ۴۴.
- میرداماد، محمدباقر. (۱۴۲۲ق). **الرواشح السماویه**. تحقیق نعمت الله جلیلی و غلامحسین قیسریه ها. قم: دارالحدیث.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). **رجال النجاشی**. محقق: شبیری زنجانی. موسی. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- نصیری، علی. (۱۳۸۸ش). **آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت**. قم: جامعه المصطفی (صل الله علیه و آله) العالمیه.

پی‌نوشت‌ها

۱. تعخیر بنا بر قول مشهور، چنان‌چه دو خبر در مقام بیان حکم مسأله‌ای متعارض باشند مانند آن که یکی به چیزی امر و دیگری از آن نهی کند و هیچ کدام بر دیگری ترجیح نداشته باشد، مکلف در عمل به مقتضای هر کدام، مخیر است (ر.ک؛ اصول الفقه، ج ۲: ۲۳۱).

